

آمریکا انتقال سفارتش به قدس را فردا کلید می‌زند

## هنیه: روز نکبت، نکبتی برای اسرائیل می‌شود

صفحه ۱۵

یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ ■ ۲۶ شعبان ۱۴۳۹ ■ ۱۳ مه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۳۷ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



یادداشتی بر زندگی و اشعار استاد فرید به بهانه پاسداشت شاعر عصر انقلاب در سومین مراسم شب وصل

## تغزل و فخامت شعر انقلاب

صفحه ۵



### تئیه‌های امروز

رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «فتش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» مهم‌ترین نیازهای دنیای اسلام را تشریح کردند

## وحدت و پیشرفت علمی

صفحه ۲

نتایج نهایی انتخابات پارلمانی لبنان اعلام شد

## درخواست حزب‌الله برای تشکیل دولت وحدت ملی

صفحه ۱۵

منابع غربی اعلام کردند

## ایرباس لغو قرارداد با ایران را پذیرفته است

صفحه ۲

آنچه از کاف پمپنو برمی‌آید

## ترامپ کره‌شمالی اتمی را به رسمیت شناخته است؟

صفحه ۱۵

گزارش «وطن امروز» از چهارمین نشست «شنبه انقلاب» در منزل استاد سبزواری

## در فراق پدر شعر انقلاب

صفحه ۱۳

### روزنه

## ما را رها کنید در این رنج بی‌حساب!

حسن رضایی

پیش از هر حرفی، بگذارید موضوعی شخصی را با شما عزیزان در میان بگذارم. طی چند سال اخیر اغلب اوقاتی که خواست‌نام مطلبی درباره عملکرد حسن روحانی و دولتش بنویسم، بین خندیدن یا گریستن، مردد مانده‌ام! نه فقط به خاطر آنکه وزیری که آن فرماندار کذایی را بی‌شعور خوانده بود، امروز و هم‌زمان با آشکار شدن شکست طرح تحول سلامت هم، گفته است «خدمات دولت طی ۵ سال اخیر بیشتر از کل دوره «مادها» تاکنون بوده است» و نه حتی برای اینکه حسن روحانی که روزی می‌گفت «مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپاست، چرا که اروپایی‌ها به دنبال آقا اجازه از آمریکا هستند. آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است» حالا درباره خروج کدخدا از برنامه می‌گویند «خیلی خوب می‌شود، یک شری کم شد»، درد اصلی ما فی‌الواقع، هیچ کدام از اینها نیست و به مراتب، عمیق‌تر از اینهاست.

مشکل اصلی را باید جایی دیگر و در سال‌های پایانی دهه ۶۰ جست‌وجو کرد. همان‌جا که مرحوم هاشمی در کنار افرادی چون حسن روحانی، به یکباره از دل آتش‌فشان انقلاب خواب نسخه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را می‌دیدند! من پیش از این، ۲ نهاد مذکور را علربیانک‌های سابق صدام نامیدم! چرا که بزرگ‌ترین حمایت‌های نظامی، اطلاعاتی و مالی از صدام طی جنگ تحمیلی از سوی دولت‌های پایه‌گذار و پشتیبان همین دو نهاد انجام شد. با این همه، آن سال‌ها مرحوم هاشمی متاثر از فرنگ‌رفته‌هایی که به اشتباه به همین امروز «چپا» خوانده می‌شوند، شروع به اجرای افراطی‌ترین نسخه‌های اقتصاد راست یا همان سرمایه‌داری کرد که از سوی همان نهادها

دیکنه می‌شد.

نسخه‌هایی که دیگر نه بر مبنای اقتصاد کینزی و برای تحقق «دولت رفاه» که بر مبنای اقتصاد بازار آزاد و تنها برای تأمین منافع طبقه‌های خاص از گردن کلفت‌ترین لیت‌های سیاسی و اقتصادی مناسب بود! واضح است ظهور و بروز وزرای مولتی‌میلیاردر و لواسان‌نشین در دل انقلاب اسلامی ایران که به گفته امامش، «دست‌آورد میلیون‌ها انسان ارزشمن و هزاران شهید جاوید» است...

ادامه در صفحه ۵

### نگاه‌امروز

روحانی ۹۲ پیرامون آنکه آمریکا

کدخدای اروپاست پس بیستن با او راه‌حل همراه

ساختن اروپاست، با روحانی ۹۷ که آمریکا را مزاحم

و شری در برجام می‌داند و معتقد است برجام بدون

آمریکا و با اروپایی‌ها راه خود را بهتر طی می‌کند،

اگر سخنی بر تکرار در این روزها نباشد لااقل دیگر

دبهبی و مشهود است دولت قصد دارد تحت هر

شرایطی در برجام بماند حتی اگر برجام موجود با

آنچه مکتوب شد (نه آنچه بارها تبلیغ و تحسین

شده است) فاصله‌ای به اندازه چند هزار سال نوری

داشته باشد. دولت نفی برجام را به دلایل عدیده

نفی خود می‌داند، چرا که برجام همان سسبیدی

است که تمام تخم‌مرغ‌های خود را در آن گذاشته

و از دست دادن آن سبید هم از دست دادن تمام

داشته‌های دولتی است که در ۵ سال گذشته جز

حواله دادن راه‌حل مشکلات به فریادی اجرای برجام

چیز دیگری از خود به نمایش نگذاشته است، پس

در این شرایط طبیعی جلوه می‌کند که دولت‌مردان و

در راس آن شخص رئیس‌جمهور متوسل به هر گونه

خوانش عجیب و شگفت‌آوری از برجام شوند تا

جسم بی‌جان آن گواهی فوت بگیرد.

تغییر دادن فضا از برجام بدون آمریکا که

به زبان ساده باقی ماندن هم‌زمان تحریم‌ها و

محدودیت‌های هسته‌ای با یکدیگر است، به این

سمت و سسو که ترک برجام از جانب آمریکایی‌ها

و باقی ماندن اروپا در آن به معنای انزوای جهانی

ایالات متحده و اجماع جهانی علیه ترامپ است،

بیش از آنکه ریشه در عالم واقع و حقیقت معادلات

بین‌المللی داشته باشد، به اوام و فراق‌کنی برای

دوری جستن از آنچه رخ داده می‌ماند. باید پذیرفت

دولت در ۵ سال گذشته بارها نیاز حیاتی‌اش به

یک توافق فارغ از شرایط آن را فریاد زده و طرف

مقابل نیز با علم به اینکه دولت روحانی نمی‌تواند

خود را در فضایی بدون در دست داشتن یک

توافق بین‌المللی حفظ کند، تا نواسته از تعهدات

خود دوری جسته و امتیازهای کسب کرده خود

را ده‌ها برابر امتیازهای اعطا کرده بالا برده و حالا

## ما و کدخدانگاری اروپا

صادق فرامرزی

نمی‌توان امید به رفتاری غیر از آنچه از سمت آمریکا

انجام شد از جانب ۳ کشور اروپایی داشت، به عبارت

دیگر تا زمانی که آنها بدانند دولت ایران تحت هر

شرایطی حاضر به تمکین از توافق انجام شده است،

هیچ‌گاه بیم آن را نخواهند داشت با بدعهدی و

بی‌اعتبار کردن توافق چیزی را از دست بدهند.

تصور اینکه اروپایی‌ها با استانداردهای اخلاقی

بخوانند رفتار خود را در توافقی که ممکن است

موجبات رویارویی آنان را با آمریکا فراهم کند ادامه

دهند، تصوری از پیش شکست خورده است که

هیچ نسبتی با واقعیت معادلات موجود بین‌الملل

ندارد و طبیعی است در این شرایط اروپایی‌ها بیش

از هر زمان دیگری بخواهند با ایفا کردن نقش پلیس

خوب، فضای توافق را به سمت گزاره‌های جدیدی

همچون مسائل موشکی و حضور ایران در منطقه

پیش ببرند.

ج- سخن سال ۹۲ رئیس‌جمهور مبنی بر کدخدا

پنداشتن آمریکا معطوف به مذاکرات سعدآباد در

دولت اصلاحات بود که نهایت توافق جمهوری

اسلامی ایران با ۳ کشور اروپایی انگلستان، فرانسه و

آلمان با نقش‌آفرینی پشت‌پرده آمریکا منجر به هیچ

نتیجه مطلوبی نشد و تعلیق داوطلبانه ایران برای

اعتمادسازی با طرف واسطه‌گر اروپایی چیزی جز

تاکید بر امتداد دائمی محدودیت‌ها به ارمان‌نیاورد

و حال سخنان سال ۹۷ وی مبنی بر ترسیم فضای

که در آن توافق ایران و اروپا موجبات شکاف میان

اروپا و آمریکا فراهم آورد، نشانه‌هایی از بازگشت به

یک راه طی شده و البته بی‌نتیجه را به آذهان متبادر

می‌کند. واقعیت آن است که نه منافع دوجانبه

چندانی میان ایران و این ۳ کشور اروپایی در ابعاد

سیاسی و اقتصادی وجود دارد که آنان تمایل به در

پیش گرفتن راهی مخالف آمریکا داشته باشند و نه

رویه موجود که با قبول تعهدات سنگین، صنعت

هسته‌ای را به حالت تقریباً تعطیل درآورده است



هشدار صدر اعظم آلمان درباره انتظارات از اروپا

برای مناقشه با آمریکا به خاطر توافق هسته‌ای با ایران

آنکلا مرکل: ما نباید خود را قوی‌تر از آنچه هستیم نشان دهیم

اروپا به تنهایی نمی‌تواند

صفحه ۲

قصد تغییر دارد تا اروپایی‌ها را متمایل به جانبداری

از ایران کند. مساله مهم و غیر قابل غفلت دیگری که

در این میان نمی‌توان بسادگی از کنار آن گذشت

این است که آیا عمده نظام تحریم‌هایی که ایران

برای رهایی از آنها وارد مذاکرات شد، چیزی است

که با توافق طرف اروپایی رفع شود یا خیر؟ متأسفانه

در این‌باره جواب خیر است و امتداد یافتن نظام

تحریم‌های آمریکا حتی اروپای باقیمانده در برجام

را تبدیل به بازیگری بی‌اثر می‌کند. نگاه ما به اروپا

حتی اگر با عینک خوشبینی‌ای که از سمت دولت

تجزی می‌شود باشد نیز تغییر چندانی در حقیقت

توافق ایران و اروپا به وجود نمی‌آورد؛ اروپا از نظر

دولت رابط‌های اقماری با آمریکا دارد و همین

مسبب آن می‌شود که حتی پابرجا ماندن صوری

برجام آن را صرفاً توافقی برای توافق و نه توافقی

برای نتیجه‌گیری کند، در حالی که واقعیت آن است که

با بازگشت تحریم‌ها که بخش مهم تعهدات برجامی

بوده عملاً توافقی باقی نمانده است.

شاید هیچ‌گاه به اندازه الان زمان آن نبوده تا

دولت تصمیم بگیرد برجام را از دنیای ذهنی خود

به دنیای واقعی بکشاند و با سنجیدن شرایط موجود

و سنساروهای پیش رو راهی را در جانب منافع

ملی در پیش گیرد. هشدار اخیر رهبر انقلاب در

مشروط کردن ادامه توافق گویای آن است که باید

برای در امان ماندن از فشارهایی که سعی می‌شود

با پا گذاشتن بر گلولی برجام پیگیری شود، موضع

رسمی دولت موضعی هجومی باشد. دل خوش

کردن به شایدها و احتمالاها نمی‌تواند تغییری در

رویه اثبات شده طرف اروپایی ایجاد کند. تا زمانی

که دولت بخواهد در جواب هر نقض و خروجی از

برجام واکنشش را محدود به تاکید بر ماندن در

برجام کند، نمی‌توان انتظار چندانی برای تغییر

رویه زورمدارانه طرف‌های خارجی داشت. الان

بهترین زمان است که دولت به‌جای انداختن جامه

کدخدایی بر شانه‌های اروپا رویکردی ضدکدخدایی

اعمال کند و با یک موضع‌گیری شفاف در راستای

گزینه‌های بعد از برجام، خود را از نیرویی منفعل

تبدیل به بازیگری فعال کند.

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

### یادداشت امروز

## بی‌بی رقیه و باران

حسین قدیانی

چند روزی است لرستانم و از دیشب بروجرد که از آنچه قبلا و البته گذری دیده بودم، زیباتر است و دلرباتر! شهر بسیار زنده‌ای است با طبیعتی فوق‌العاده! و مردمانی رک و صریح و صمیمی! و بسی خونگرم و میهمان‌نواز! مثل همه لرستان! مثل همه ایران! در شهرهای



نورآباد و الشتر و روستاهای دکاموند و جوانمرد، چند روزی ماندیم و راستش صفا کردیم با مردم شهیدپرور دلفان و سلسله! از ۳ راه می‌توان از الشتر وارد بروجرد شد؛ فیروزآباد، کاکارضا و راه کوهستانی که از روستای جوانمرد می‌گذرد و خدا می‌داند چقدر زیباست! این مسیر یک‌ساعته را البته باید در روز رفت و هوای غیربرفی! هنگام عبور ما اما باران هم همسفر ما شده بود و خلاصه! طبیعت، سنگ‌تمام گذاشت برای ما! نیست که اردیبهشت هم هست، هر سیزی، سبیزتر دیده می‌شود! شمال کشور را منهای رطوبت و شرجی و شلوغی کنید تا بهتر دست‌تان بیاید آب و هوا و طبیعت بکر لرستان را! چند خط بالاتر نوشتیم «مردم شهیدپرور» و خب! این یک حقیقت است! وارد هر شهر استان لرستان که می‌شوی، در بلوارها پر است از تصاویر شهدا! در روستای دکاموند اما بخت با ما یار بود که پنجشنبه برسیم و چند تایی مادر شهید را زیارت کنیم، آن هم بر سر مزار شهیدان‌شان! با یکی از این شیرزنان، گرم صحبت شدم که از بس غلیظ لری حرف می‌زد، خانم از سمت پدر، لر ما شده بود مترجم! و همین که فهمید کارم کتابت است، بیشتر مشتاق شد به سخن! می‌گفت: «محمدحسن وقتی رفت جیهه، هوا بارانی بود و وقتی پیکرش برگشت، هوا بارانی بود و الان هم که باز دارد باران می‌بارد!» می‌گفت: «صدای آقا- امام خمینی- از همه این کوه‌ها و دشت‌ها رد و به گوش جگر گوشه من هم رسید!» می‌گفت: «دشمن فقط دنبال خاک ما نیست، بلکه می‌خواهد ریشه ما را قطع کند ولی محمدرضا ورد زبانش این بود که ریشه ما در خون سرخ حضرت حسین علیه‌السلام است و قطع‌شدنی نیست!» بیستم! شما مخاطبان عزیز، هیچ نشسته‌اید تا حالا پای سخن مادر شهیدی روستایی؟! چنان قوی و محکم و باصلابت، سخن می‌گویند که برای امثال این حقیر، واقعا درس زندگی و مبارزه است! بی‌بی رقیه می‌گفت: «ما دامداریم و یکی هم عشایر است و یکی مهندس است و یکی هم دکتر است و یکی هم در کار تو و یکی هم گلیم می‌بافد و یکی هم شهری است و یکی هم روستایی است اما ما همه یک ملت هستیم و یک خدا را می‌پرستیم و یک رهبر داریم و تا متحد باشیم، این عوضی هم بگذارد می‌برای خودش تهدید کند ما را!»

ترامپ را می‌گفت! و وقتی حرف از اتحاد زد، چنان بهم‌گرمه زد! انگشتان دست حسابش‌اش را که کیف کردم! با که می‌خواهی چنگی بزدندت یانکی؟! یا ملت این؟! با این طبیعت؟! اگر قرار بود بی‌بی رقیه کم ببورد، آن زمانی کم می‌آورد که اقلا یک‌جو عقل داشتند سران جلد کاخ سفید! ۸ سال جنگ، کمر ملت دلار ما را خم نکرد، حالا بشکنیم که جز ایمان و عزم و اراده، کلی هم گام به جلو برداشته‌ایم؟! اگر روزگاری، فقط در عرصه دفاع، شهید داشت این ملت، اینک در سنگر علم هم، هر ایرانی باشرفی به شهید شهرداری می‌نازد! و اگر قرار بود ریشه این ملت، خشک شود، هر گز حسین فهمیده سال ۵۹ تبدیل به محسن حججی زمان حال نمی‌شد! پس لرستان، زیباست اما آنچه ایران پهناور ما را زیباتر می‌کند و به این خاک، روح و جان می‌دهد، وجود شیرمردان و شیرزنانی است که زندگی و عزت را با هم می‌خواهند! دلت که آمد، حتم کنی از زندگی هم خبری نیست! تجربه هم همین را نشان داده! تو به خیال خوش تحقق وعده سر خرمن دشمن، قلب راکتور خودکفایی را با کوهی از سییمان، می‌پوشانی! لیکن باش تا تحریم‌ها لغو شود! پس اتکا کن به ملت خودت، نه صدقه دشمن که آن را هم دیدیم نداد! نه! بروجرد، بسی زیباتر از آن است که «پاریس کوچولو» خوانده شود!

ادامه در صفحه ۵